

سه کتاب در یک ماه

این جزء آخر آیه ۵۵ سورة المؤمنون و آیه ۳۱ سورة الروم «کل حزب بما لیدهم فرحون» هانند بسیاری از آیات مصحف شریف حکم مثل سایر را پیدا کرده است زیرا که یکی از حقایق مسلم بشریست . آری هر گروهی از آنچه می‌بسنند و بدان دلبسته‌اند شادند . برای کسانی که قلم بدست دارند و بالاترین بهره زندگی را از کتاب می‌برند ، شاید هم برای عده کثیر از خوانندگان یفا ، ماه خجسته و میمون آن ماهیست که يك یا چند کتاب خوب در آن انتشار یافته باشد ، در یفا که این ماههای فرخجسته را لاقلاً در روز کارما در تقویم کمتر میتوان یادداشت کرد .

خاصیت مهم کتاب خوب اینست که نه تنها ماهها و بلکه سالها مردم را بخود مشغول میکنند و برخی از آنها تاجاودان هم می‌ماند بلکه مخصوصاً در عصر ما این خاصیت بارز راهم دارد که هر کتاب خوب می‌تواند تباهی و زهر آگینی دهها و گاهی هم صدها کتاب بد را یادزهری و باطل‌السجری باشد چنانکه يك مرد دانا می‌تواند تباهی های هزاران مردم نابکار را بزاید . مرحوم سید احمد ادیب پیشاوری شعر بسیار بلندی در متنوی بجز متقارب خود دارد :

هران گو ز دانش برد توشاهی جهانست بنشسته در گوشه‌ای

روزگاری بود که در ایران ما از بس کتاب خوب نوشته میشد پایان یافتن کتاب خوبی را جشن نمی‌گرفتند ، زیرا شاید هر روز می‌بایست جشنی برپا کنند . اما اینک مادر روز کاری می‌زییم که راستی باید بیازار آمدن کتاب خوب را جشن گرفت . شکی نیست که کمیت کتاب در این دوسه سال گذشته بسیار بالا رفته است و شاید در هر ماهی تنها در طهران نزدیک سی‌چهل کتاب انتشار یابد اما بحق و انصاف باید گفت در میان آنها هشتاد درصد کتابهاییست که لاقلاً کسانی چون من نباید رنج خواندن آنرا بخود هموار کنند و از این دست بگیرند و بدان دست بسیارند . شاید هزار درصد آنها بیش از آن ارزش داشته باشد که یکبار بخوانند و بدست فراموشی در طاق نسیان بسیارند و تنها دو درصد آنها کتابیست که بدان می‌ارزد کسی حرز جواد خویشتن کند و تا زنده است هر چند یکبار از آن سودی برگیرد . بدین جهت بجزرات می‌توان گفت ، اگر کمیت بالا رفته هنوز کیفیت بالا نرفته است و چون هیچ دلی بی‌امید نیست امیدمیرود آنهم بزودی بالا رود .

بدین جهت هر گاه بخت رومی آورد و چند کتاب خوب در ماهی منتشر شود باید آن‌ماه را بیاد سیرد و از آن بخوبی یاد کرد . ماه گذشته در تاریخ مطبوعات ایران این مقام را دارد . در این ماه تا جایی که من دیده‌ام سه کتاب خوب انتشار یافته است که بجاست درباره آن‌ها بحثی بکنم :

۱- دستور - از ابوالقاسم رضایت دستور [طهران ۱۳۳۵] ۲۴۸ صفحه بقطع ربعی ،

این کتاب منظومه‌ایست بجز متقارب شامل نزدیک سه‌هزار بیت بهمان روش مألوف برخی از بزرگان سرایندگان ایران که رایج ترین نمونه آن بوستان سعدیست . این روش یکی از کهنه‌ترین اقسام شعر پارسی را در بر دارد زیرا که در میان بزرگان سرایندگان دوره سامانی که آثارشان از میان رفته از آن جمله رودکی و شهید بلخی باشعاری پراکنده برمیخوریم که در آنها مطالب اخلاقی و حکم و معارف و سیر و سلوک را با بیانی کوتاه و دلچسب که فوراً در ذهن جای می‌گیرد بیان کرده‌اند و کار بجائی رسیده است که در هیچ زبانی در جهان باندازه زبان فارسی اینگونه اشعار حکم مثل سایر را

پیدا نکرده اند و هزاران بیت و مصراع بر سر زبان پارسی گویان جهان هست که از این شاعران گرفته اند. ابوشکور بلخی شاعر بزرگ دوره سامانی منظومه‌ای سرایا بند و عبرت بنام آفرین نامه سروده است که متأسفانه تنها نزدیک صد شعر پراکنده آن به ما رسیده است. آفرین نامه بجزر متقارب بوده است و گویا از آن زمان معمول شده است که سرایند. آن درین روش مخصوص بحر متقارب را بر اوزان دیگر ترجیح داده اند.

می‌توان گفت این قسم شعر خاص فاسی زبانانست و شاعران ملل دیگر چندان اهتمامی به بیان مطالب اخلاقی در شعر خود برای جادادن در ذهن عامه مردم کشور خود نداشته اند. البته از اروپ یونانی و لافونتن فرانسوی و کرلیف روسی و شمیت آلمانی و فلوریان فرانسوی روش دیگری را که تا اندازه‌ای باین روش نزدیکست پیش گرفته اند، اما ایشان مقاصد خود را پیرایه‌ای از داستان و بیشتر درباره جانوران پوشانیده‌اند و بهمین جهت حقایق مجرد در آنها گمست و باندازه‌ای نیست که در همه اذهان جای بگیرد و حکم مثل سایر را پیدا کند.

این هنرنمایی در زمینه‌ای که بشر تا زنده است بدان حاجت دارد و هرگز از تعلیم اخلاقی بی‌نیاز نخواهد شد در شعر فارسی همواره یکی از دشوارترین زمینه‌ها بوده است. سعدی در بوستان این هنر را در اوج کمال خود ظاهر میکند و بهمین جهت بوستان در سراسر کشورهای اسلامی، نه تنها در ایران، بلکه در افغانستان و پاکستان و هندوستان و ترکیه سابق و ملل همسایه شمال شرقی و شمال غربی ایران امروز، همواره کتابی بوده است که هر کس از زن و مرد در خردی در ذهن خود جای داده است.

از نظر فنی شاعری بالاترین دشواری این روش درینست که شاعر باید مهم ترین مطلب را در کوتاه‌ترین بیانی که وزن و قافیه می‌پذیرد بیازود و باندازه‌ای بیان او مختصر و چکیده باشد که تنها در یک بیت و اگر زبردست تر باشد در یک مصراع جای بگیرد و محتاج بتوضیح و تعبیر در بیت دیگر نباشد بطوریکه مردم در ذهن خود بپذیرند و حکم مثل سایر را پیدا کند. بزرگان زبان فارسی گاهی در این هنرمندی اعجاز کرده‌اند.

در زمان ما دشواری دیگری برین روش افزوده شده و آن اینست که این بندها و اندرزا باید با مقتضیات روز و زندگی امروز و آخرین اندیشه‌های فرزند آدمی تطبیق کند، زیرا هیچ حقیقتی هر چند هم که مسلم باشد بقید زمان و مکان در نمی‌آید. این منظومه آقای ابوالقاسم رضایت دستور جامع همه این شرایط فنی هست و طبع روان و بلندی برتریهای دیگر بر آن افزوده است و اینکه من از انتشار این منظومه خرسندم و سراینده این اشعار را بطبع و نشر آن برانگیختم بدین جهتست که می‌خواستم بکسانی که مدعی‌اند با اوزان و قوافی و روشهای دیرین شعر فارسی نمیتوان مقتضای امروز را اجابت کرد نمونه‌ای زنده داده شود که هنوز آن کهن جاده شعر فارسی هزار ساله حاجت ما را در زندگی برمی‌گزارد و سخن فارسی را حاجت بجایه عوض کردن و پیرایه نوییوشیدن نیست.

۴- شهر فارسی در عهد شاهرخ (نیمه اول قرن نهم) یا آغاز انحطاط در شعر فارسی -
تألیف دکتر احسان یارشاطر - تهران شهریور ۱۳۳۴ شماره ۲۶۸ از انتشارات دانشگاه طهران
۲۹۶ ص بقطع رقیم بزرگ

از روزی که مرحوم محمد فروزینی روش نوین ادویایی را در تحقیق در باره ادبیات در میان ایرانیان گذاشت درست پنجاه سال میگذرد. در این نیم قرن باید با کمال صراحت گفت ایرانیان

این راه را چنان خوب کوبیده‌اند که نه تنها دیگر حاجتی بدانشمندان اروپا ندارند بلکه دانشمندان اروپا را بخود محتاج کرده‌اند و آن روزگاری که مادر یوزه گر خاورشناسان بودیم در نور دیده شده است. چه گوار است که کسی یا قومی دیگر نیازمند بیگانه نباشد! گویا درین سخن همه مردان منصفی که در میان ما هستند بامن همداستان باشد که تنها نتیجه محسوس وجهان پسند که ما تاکنون از دانشگاه طهران و انتشارات آن گرفته ایم همین تحقیقات ادبیست که در بیرون از چهار دیوار ایران آبرویی درجهان دانش برای ما فراهم کرده است و چه خوب بود که دانشگاه طهران تناسبی منطقی و خریدار درنوع انتشارات خود قائل میشد و لافل دولت از کاغذ و چاپخانه خود را صرف طبع و نشر متون فارسی که جهان دانش بیشتر از هر نشریه‌ای دیگر بزبان ما تشنه آنست میکرد. حساب کردن درین زمینه بسیار کار آسانست؛ تنها انتشارات ادبی دانشگاه طهرانست که نسخه‌های آن‌ها تمام شده و برخی از آن‌ها نایاب شده است. مردم هوشیار از این راه‌ها عبرت میگیرند.

کتابی که آقای دکتر یارشاطر انتشار داده نمونه خوبی از رشد دانشمندان ما در این زمینه است. در این کتاب حق مطلب با بهترین روش علمی داده شده است. پنجاه سال از تاریخ اندیشه نژاد ایران و مردم فارسی زبان جهان در این کتاب چون آینه‌ای بسیار جلی و زودوده نمایانست. همه علل و اسبابی که دانشمندان بینای امروز آن‌ها را جهات تنزل و تعالی فکری در دوره‌ای میدانند در این کتاب گرد آمده است. مؤلف خود را کاملاً مسلط بر دره خویش و موضوع خویش نشان میدهد. روش تألیف و بیان مطلب بسیار روان و دل‌انگیز است و خواننده را باینکه باز بیشتر بخواند و بار دیگر بخواند تشویق میکند. اینها مهم‌ترین خصوصیات تألیفات و مؤلفی که خود نداند چه می‌خواهد بگوید خواننده را بخود جلب نمی‌کند. بالعکس درین کتاب اندیشه و قصد و نیت مؤلف بهترین وجهی نمایانست و این چیز کمی وی را ورنجی را که در گرد آوردن مطالب برده است نشان می‌دهد. اتفاقاً من خود در همه مراحل این تألیف از نزدیک شاهد بودم و می‌دانم که مؤلف آن تاچه مایه دقت و توجه داشته و چگونه همت و پشت کار بمیان آورده است. کسی که بتواند پنجاه سال از زندگی فکری مردمی را بدین آسانی و رایگانی بدست شما بدهد همیشه نامش با این موضوع پیوستگی خواهد داشت و کم خواهد شد کسی بتواند بر آن چیزی بیفزاید.

۳- الکترای، فیلو کتس، زنان تراخیس و آژاکس از سوفوکل - ترجمه محمد سعیدی -

بنگاه ترجمه و نشر کتاب - تهران ۱۳۳۵ - ۳۰۰ ص بقطع رقی

شاید درین روزگار من بیش از همه در گوشه و کنار درین اندیشه با فشاری کرده‌ام که بگانه راه پیوستن ما مردم ایران بکاروان دانش ترجمه آثار ادبی و فکری ملل دور و نزدیک ماست که برخی از آنها از هزاران سال انباشته شده و همه بیش و کم بدان پی برده‌اند و تنها ما خود را محروم از آن نگاه داشته‌ایم. من این کار را براتب واجب تر و ضرورتی از هر کاری دیگر می‌دانم زیرا که این کار حکم درمان قطعی و ریشه کن کردن بیماری را در پزشکی دارد و حال آنکه مستشار آوردن و شاگرد بارویا و امریکا و این سوی و آن سوی فرستادن در حکم دواى خواب آور دادن و یکی دو ساعت درد را فرو نشانندست.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب که بهمین اندیشه فراهم شده است و این کتاب پانزدهمین کتاب مفید است که فراهم کرده است قطعاً درین چند ماه گذشته تکانی سخت بفرهنگ عمومی ایران و زبان فارسی داده که یقین دارم آثار سودمند آن بزودی آشکار خواهد شد. چیزی که من درین کار بسیار می

پسندم اینست که درانتخاب آثار و نویسندگان که باید در گامهای نخست مردم با ایشان آشنا بشوند روشی منطقی و عالمانه اختیار کرده‌اند. قطعاً می‌بایست مادر گامهای نخستین آثاری را که در درجه اول اهمیت و وجوبست بزبان خود ترجمه کنیم و سپس بتفنی بپردازیم. مجلته کتابهایی که تاکنون ترجمه و منتشر شده همه یک‌پایه از برزندگی نبستند و بر برخی از آنها می‌توان انگشت گذاشت و ایراد گرفت. یکی از کسانی که شایستگی خود را در کار دشوار ترجمه تاکنون دوبار نشان داده دوست دیرین من محمد سعیدیست که نخست سه نمایش‌نامه دیگر از سوفوکل (اودیپوس شاه - اودیپوس در کولونوس و آنتی‌گون) را استادانه ترجمه کرده و اینک ترجمه چهار نمایش‌نامه دیگر از او انتشار یافته است، من که یک عمر چیز نوشته‌ام و گاه گاهی هم ترجمه کرده‌ام شاید بهتر از همه بدانم که ترجمه کردن درست دو برابر چیز نوشتن وقت و دقت و رنج می‌برد، زیرا که در نوشتن شما و مسئول گفته و کرده خوبتر است؛ در صورتی که در ترجمه شما باید دیگری و هم مسئول خوبتر است و هم مسئول دیگری. شرط اساسی ترجمه که متأسفانه می‌بینم بسیاری از آن غافلند اینست که مترجم باید نخست بخصوصیات و لطایف و ظرایف متنی که در پیش دارد پی‌برد و آن زبان را باندازه‌ای خوب بداند که متوجه این زیبایی‌های مادی و معنوی بشود و سپس باید در زبان خود باندازه‌ای زبردست باشد که درست معادل آنرا بیابد و زبان شعر را بشعر و زبان حکمت را بحکمت و زبان عوام را بزبان عوام دریاورد. قطعاً هر حساسه بیگانه را در فارسی باید بزبان فردوسی، هر غزل سرای را بزبان سعدی و حافظ، هر حکیم را بزبان ابن‌سینا و خواجه نصیر و سنایی و عطار و مولانا ترجمه کرد و گرنه بهتر آنست که پیرامون ترجمه نگردند. همین جهت دشوارترین کارها در ترجمه برگرداندن آثار نویسندگان چند قرن پیشست که برای اینکار باید مترجم با زبان فارسی ادبی باستان مانوس باشد. سوفوکل شاعر بزرگ یونانی در قرن چهارم پیش از میلاد یعنی نزدیک دوهزار سال پیش در جهان بوده است گفتار او را نمی‌توان بزبان مبتدلی که عاری از فصاحت و لطایف شعری باشد ترجمه کرد.

این شرایط همه در ترجمه‌های سعیدی گرد آمده است و مطلقاً آثاری در درجه اول امتیاز ترجمه‌هایست که تاکنون بنگاه ترجمه و نشر کتاب انتشار داده است و من ویرا جدا یکی از زبردست‌ترین و چیره‌ترین مترجمان امروز می‌دانم و یقین دارم این خدمت بسیار مهم او بزبان فارسی همیشه بیاد خواهد ماند. طهران ۹ مرداد ماه ۱۳۳۵ سعید نفیسی

رفع توهم

گاه بگاه درباره جمله اشعاری بچاپ میرسد که از نظر استواری و استحکام، یا از نظر اینکه بسیار خوب نوشته شده جالب توجه است و دوستان و همکاران در درج یا گراور آن اصرار می‌فرمایند از آنجمله اشعاری بود که آقای واجد استاد مسلم ادب و شعر در چند سال پیش از شیراز فرستاده بودند و در شماره سوم سال جاری ۱۳۳۵ درج شد.

برای رفع هر گونه توهم تصریح می‌شود که اصرار در چاپ این اشعار از طرف همکاران و دوستانی است که با آنان در مندرجات مجله مشورت می‌شود نه از طرف گویندگان و فرستادگان. در شماره بعدم گراور ایاتی که هم خوب گفته شده و هم خوب نوشته شده بنظر خوانندگان محترم خواهد رسید.